

www.ketab.ir

□ عملیات مهندسی

(بررسی کارنامه تروریستی بخش ویژه‌ی نظامی سازمان
مجاهدین خلق ۱۳۵۵-۱۳۶۱)



مؤسسه فرهنگی هنری

عنوان: **عملیات مهندسی (پرسی کارنامه تروریستی بخش زیر می باشد) - همان مجاهدین خلق (۱۳۵۱-۱۳۶۱)**
تألیف: محمدحسن روزی طلب و محمد محبوبی
نوبت چاپ: اول، بهار ۱۳۹۶
شمارگان: ۱۵۰۰ قیمت: ۳۶۰۰۰ تومان
حروف چینی و لیتوگرافی: مؤسسه فرهنگی هنری مرکز اسناد انقلاب اسلامی
چاپ و متحافی: چاپخانه مرکز اسناد انقلاب اسلامی
شابک: ۹۷۸-۶۰۰-۹۴۸۲۲-۵۲-۲
ISBN: 978-600-94822-5-2
کلیه حقوق این اثر برای ناشر محفوظ است.
تشریفاتی: تهران، خیابان شریعتی، نرسیده به میدان قدس، رویروی پمپ بنزین اسدی، پلاک ۱۹۵۴.
مرکز اسناد انقلاب اسلامی، صندوق پستی ۱۹۳۹۵/۲۸۹۶
تلفن فروشن: ۲۲۲۱۱۱۷۴ تلفنکس: ۲۲۲۱۱۱۷۵ تلفن دفتر مرکزی: ۲۲۲۱۱۱۹۴

www.irde.ir

فهرست

۹	پیشگفتار
۱۳	مقدمه
۳۲	مشروعیت فقه‌های
۸۲	خلع بد حاکمیت
۱۱۶	خرداد پرحادثه
۱۶۴	اتاق جنگ
۱۸۴	آشوب اقلیت ویژه
۲۷۰	برخورد امنیتی با باند ترور
۳۵۶	اطلاعات در خدمت عملیات
۳۹۴	جاویدالانثر مهندسی
۴۰۴	نفوذی اشتباه
۴۳۰	کفاش بی‌گناه
۴۴۰	انتقام از نظام
۴۵۸	پژو ۵۰۴ دردسرساز
۴۶۸	خط آخر
۵۱۰	ضمیمه: سخنرانی تاریخی شهید لاجوردی
۵۲۶	ضمیمه: زنجیره شکنجه
۵۸۴	اسناد و تصاویر
۷۳۵	کتابنامه
۷۴۲	نمایه

پیشگفتار

در تاریخ نگاری سازمان مجاهدین خلق پس از پیروزی انقلاب اسلامی و خصوصاً پس از آغاز فاز مسلحانه، در گام سراسیمه مورد بررسی قرار می گیرند: نخست گروهی که اکثریت مطلق آنها را هواداران، سادات و اعضای رده پایین تشکیل می دادند. هدف این گروه، وارد آوردن «ضربه‌ی کمی» از طریق ترور و ترور خیابانی، کشتار مردم غیر مسلح و «پاسدارکشی» و «ریشوکشی» در معابر شهری بود. دوم تشکیل از اعضای رده بالای سازمان و نیروهای نفوذی مجاهدین در نهادهای انقلابی بود و وظیفه‌ی آن، ترور مسئولین عالی رتبه‌ی کشوری و لشکری و ایجاد «ضربه‌ی کیفی» به نظام بود. در نظر مجاهدین دو خط «زدن سرانگشتان رژیم» و «ضربه به سر حاکمیت» در راستای استراتژی «تنه زدن» با هدف منتهی به سقوط نظام در سال ۱۳۶۸ می شد که به شکست انجامید.

حلقه‌ی گمشده در این تاریخ نگاری، جایگاه و نقش «بخش ویژه» سازمان مجاهدین خلق در عملیات‌های تروریستی سازمان است. بخش ویژه نظامی که از اعضا و کادرهای رده بالای مجاهدین و نیروهای زبده‌ی عملیاتی تشکیل شده بود، ولی به صورت خاص ترور مسئولین نظام را دنبال نمی کرد؛ بلکه به مثابه بازوی اطلاعاتی - عملیاتی مرکزیت، مأموریت‌های خاص و «ویژه‌ای» را دنبال می نمود که در انحصار خودش قرار داشت. همین بخش بود که عملیات غم‌انگیزی تحت عنوان «عملیات مهندسی» و شکنجه‌ی دردناک پاسداران را رقم زد.

در سه فصل آغازین اثر پیش رو، حوادث فاز سیاسی سازمان - از پیروزی انقلاب اسلامی تا شورش ۳۰ خرداد سال ۱۳۶۰ - خلاصه‌وار مرور شده و به تدارکات مجاهدین برای قیام مسلحانه و نفوذ پرداخته شده است. پس از آن زمینه‌ها و تحلیل‌هایی که منجر به تولد «بخش

ویژه‌ی نظامی» در درون سازمان شد مورد تدقیق و کنکاش قرار گرفته است. در فصل پنجم خطوطی که بخش ویژه نظامی در طول حیات خود دنبال می‌کرد به صورت جداگانه بررسی شده است و طرح‌ها و عملیاتی را که در راستای این خطوط صورت گرفته شکافته‌ایم.

فصل ششم به بررسی کامل و جامع عملیات‌های متقابل نهادهای امنیتی نظام پرداخته است. ضربات متعدد واحد اطلاعات سپاه پاسداران به مرکزیت، بخش اجتماعی و بخش روابط سازمان و طرح مالک و مستأجر دادستانی انقلاب اسلامی تهران نمونه‌هایی از این اقدامات تقابلی است که سازمان مجاهدین خلق را تا مرز فروپاشی و انهدام پیش برد. در مقابل ضرباتی که کادرهای مجاهدین در سال‌های ۱۳۶۰ و ۱۳۶۱ تجربه کردند، آنها به دنبال مسدود نمودن سوراخ فتادند که از آن گزیده می‌شدند. در فصل هفتم تحلیل‌های سازمان و بخش ویژه‌ی نظامی برای جلوگیری از تکرار ضربه‌ها بررسی گردیده است. جمع‌بندی این تحلیل‌ها، عملیاتی تحت عنوان «عملیات مهندسی» است که به صورت خلاصه عبارت بوده است از دستگیری، شکنجه و کسب اطلاعات از ادا که مظنون به همکاری با نیروهای امنیتی نظام بودند.

در فصل‌های هشتم تا دوازدهم روایتی از قربانیان و شهدای عملیات مهندسی به ترتیب تاریخ ربایش ارائه شده و در فصل خوردهم به پیامدها و عوارض عملیات مهندسی در درون سازمان، افکار عمومی کشور و مجامع بین‌المللی پرداخته شده است. همچنین افول و اضمحلال بخش ویژه‌ی نظامی در سال ۱۳۶۱ و «خروج» مجاهدین از کشور، از دیگر مباحث مطرح شده در فصل واپسین است.

تدوین این اثر البته بدون سختی نبود و تلفیق حوزه تاریخ، امنیت، مشکلات خاص خود را داشت. اولین دشواری در تدوین تاریخ امنیت، در دسترس نبودن اسناد و تاریخ شفاهی است. اعتمادسازی منابع تاریخ شفاهی یکی از قدم‌های صعب در این راه بود که زمان زیادی می‌طلبید. توجه ویژه به سوخت نشدن اطلاعات زنده یکی دیگر از مصائب تاریخ نگاری حوزه امنیت است که علاوه بر صرف وقت زیاد، توان زیادی هم می‌گرفت. البته ماحصل این کار که بیش از دو سال به طول انجامید، پدید آمدن اثر بدیعی است که می‌تواند مرجع و منبع خوبی در موضوع جنگ امنیتی بین نظام جمهوری اسلامی و سازمان مجاهدین خلق ایران در سال‌های ابتدای دهه ۶۰ باشد.

در انتها جا دارد از جناب آقای سردار احمد وحیدی و دیگر سربازان گمنام امام زمان (عج) تقدیر و تشکر کنیم؛ سربازانی که جان، مال و عمر خود را در راه «مبارزه با التقات» هزینه کردند

و بدون چشمداشتی از سختی‌ها و ناملایمات گذشتند. برای تدوین و نگارش این کتاب با بیش از بیست نفر از مسئولین امنیتی وقت در واحد اطلاعات سپاه، دادستانی انقلاب اسلامی و کمیته‌های انقلاب اسلامی گفتگو شده و متن کتاب مورد تأیید شماری از دست‌اندرکاران وقت قرار گرفته است که ضمن تشکر صمیمانه از یکایک آنها، به احترام سال‌ها مجاهدت خاموش و مبارزه با التقاط، از ذکر نامشان خودداری نموده به عنوان حقوقی آنها بسنده می‌کنیم.

همچنین از حجت‌الاسلام والمسلمین روح‌الله حسینیان، رئیس مرکز اسناد انقلاب اسلامی، قدردانی و تشکر می‌کنیم که به ما اعتماد کرده و فرصت چنین کاری را در اختیار نویسندگان قرار دادند. از همه‌کاری و همراهی معاونت اسناد و کتابخانه، معاونت تاریخ شفاهی و معاونت انتشارات و رز اسناد انقلاب اسلامی هم کمال سپاسگزاری را داریم. امید است این اثر توانسته باشد گوشه‌ی کوچکی از مبارزاتی‌های سربازان گمنام امام زمان (عج) در مسیر مبارزه با فتنه‌ی التقاط را به تصویر درآورد.

در پایان ضمن تقدیر از نه‌سند به تلاش اثر، از همکاران محترم در مؤسسه فرهنگی هنری تشکر و قدردانی می‌شود.

مؤسسه فرهنگی هنری مرکز اسناد انقلاب اسلامی

مقدمه

سازمان مجاهدین خلق دقیقاً از روز بعد از پیروزی انقلاب اسلامی در ۲۲ بهمن ۱۳۵۷، برنامه‌ی تصرف کلیهٔ حاکمیت به هر طریق ممکن را داشت. سازمان از یک سو بر حمایت‌های مردمی و آمادگی میلیش و گسترگی پایگاه اجتماعی خویش اصرار داشت و این سازماندهی را مقوم مشروعیت رفتارش برای کسی «همه»^۱ی قدرت تلقی می‌کرد و از سوی دیگر پدیده‌ای را که چماقداری می‌خواند (حمایت به فاسد و ستادهای علنی خویش) معلول تضاد سازمان با ارتجاع قلمداد نموده اظهار می‌داشت «ما انجاع»^۲ صد از وله کردن نیروهای مترقی را دارد! لذا از اولین روزهای پس از پیروزی انقلاب، سازمان مدعی خطر جنگ‌های داخلی به مانند لبنان و ویتنام را گوشزد می‌کرد و این هشدارها معنایی جز این نداشت که خود را یک طرف جنگ داخلی و طرف دیگر را ارتجاع یا همان خط امام می‌دانست.

عصیان‌زدگی و پرخاشگری هواداران و بدنه‌ی سازمان مجاهدین خلق که منبعث از رفتار مرکزیت سازمان بود، در مقابل نرمش انقلابی هواداران خط امام در همان روزهای ابتدای پیروزی انقلاب مشهود بود.^۳ همچنین تفاوت مهم دیگر در رفتار هواداران سازمان و هواداران خط امام، نوع تقلید و تبعیت از مرکزیت سازمان در مقایسه با پیروی از رهبری انقلاب اسلامی بود. در پیروان خط امام که عموماً مردم عادی کوچه و بازار و اقشار و صنوف مختلف را شامل می‌شد، رفتار عقلایی و حساب‌گرانه بر رفتار احساساتی و عاطفی غلبه داشت که می‌توان گفت این رفتار عقلایی ناشی از حضور رأس جریان خط امام در قدرت و نیز الگوی رفتاری امام خمینی بود که خصوصیت ویژه‌ی ایشان، آرامش و پرهیز از احساسات‌گرایی در رفتار فردی و

۱. در این مقدمه از جزوه‌ی «آب و آهن» نوشته‌ی آقای بشیر استفاده شده است.

۲. به عنوان نمونه می‌توان به پرخاش‌گری سازمان علیه دولت موقت را با انتقادهای گاه‌وبیگاه افراد خط امام نسبت به دولت موقت مقایسه نمود.

اجتماعی بوده است.

به هر روی مردم و سازمان از دو الگوی رفتاری متفاوت پیروی می نمودند. در سازمان مجاهدین خلق علاوه بر عطش شدید سیاسی برای رسیدن به همهی قدرت، عدم آرامش روحی و غیرمتعادل بودن عواطف فردی رهبری از جمله عوامل اضطراب‌زا و تحریک‌آمیز در رفتار عموم هواداران بوده است. تهدیدها و اجبارها و مقابله با مردم و جلوگیری از شکست‌های انتخاباتی و استفاده از تمام اهرم‌های تبلیغاتی و سیاسی، اعم از مشروعیت آن برای کسب قدرت، موجب شد تا طرح‌واره‌ی روانی سازمان مجاهدین بسیار مخدوش و بیمارگونه جلوه نماید.

سازمان در اطلاعیه‌ای که در کمتر از بیست روز پس از پیروزی انقلاب اسلامی و در تاریخ ۳ اسفند ۱۳۵۷ منتشر کرد، بعد از اینکه هشدار می‌دهد که «اطلاع یافته‌ایم که توطئه ضدانقلابی شرم‌آوری برای حمله به دفتر جنبش ملی مجاهدین در ۱۴ اسفند در پیش است» اعلام می‌کند:

دیروز مراکز جنبش ملی مجاهدین در کاشان و یزد و تربت حیدریه حمله کردند... بدیهی است این - ملای - در ایران کاسه‌ی صبر هر انقلابی را گریز خواهد نمود، لذا از پیش صریحاً اعلام می‌نماید که در صورت هرگونه حمله‌ای... مسئولیت هیچ برخورد و حادثه‌ای متوجه مجاهدین خلق ایران نه می‌گردد. دفاع از خود و مراکزشان هستند، نخواهد بود.^۱

همچنین سازمان در اطلاعیه‌ی سیاسی - نظامی شماره ۲۲ در تاریخ ۲۶ فروردین ۱۳۵۸ خطر جنگ داخلی را گوشزد می‌کند. در اردیبهشت ۱۳۵۸، در دفتر سازمان در آبادان و خرم‌آباد درگیری‌هایی صورت می‌پذیرد. این درگیری‌ها به صورت مسلحانه و از سوی افراد عادی بوده که بعد از مشاجره‌ی چندساعته، قصد ورود و تسخیر دفتر سازمان را داشته‌اند. در واکنش به این درگیری‌ها نشریه‌ی «پیام خلق» حمله‌کنندگان را به سه جناح «بغایان رژیم پهلوی»، «ارتجاع و تنگ‌نظرها» و «افراد صادق پیروی دسته دوم» تقسیم می‌کند و در ادعای «ارتجاع» دشمن اصلی در صحنه‌ی سیاست و اجتماع می‌داند؛ چرا که «آنان هستند که مجاهدین را التقاطی، مرتد و منافق خطاب می‌کنند».^۲ به عنوان نمونه در میتینگ ۴ خرداد ۱۳۵۸ که در خزانة برگزار می‌شد،

۱. توجیه به آوردن فعل اول شخص و نه فعل جمع در جمله «از پیش صراحتاً اعلام می‌کنم» نشانگر شخص اول سازمان یعنی مسعود رجوی و روحیات تندروانه وی در ابتدای پیروزی انقلاب اسلامی است.

۲. آرشیو مرکز اسناد انقلاب اسلامی، پرونده اطلاعیه‌های جنبش ملی مجاهدین

۳. نشریه پیام خلق، شماره ۱۱، ۱۳۵۷/۲/۳۰، ص ۲

شعار اصلی «آتش عصبان خلق همیشه توفنده باد، ارتجاع ارتجاع یکسره نابود باد»^۱ بود. هم‌زمان با دشمن اصلی دانستن ارتجاع، که اشاره‌ی مستقیمی به روحانیت و خط امام دارد، سازمان ترویج کینه‌ورزی نسبت به افراد مؤمن و حزب‌اللهی را نیز در دستور آموزشی خود قرار داده بود.^۲

در شماره‌ی سوم نشریه‌ی مجاهد در ۱۵ مرداد ۱۳۵۸، مقاله‌ای تحت عنوان «آیا فیلم Z در ایران تجسم عینی می‌یابد»، منتشر شد. در بخشی از این مقاله آمده بود: «آیا Z در ایران تکرارشدنی است؟ حوادثی که در طی چند ماه اخیر در این میهن رخ داده است به‌ظاهر پاسخ سؤال ما را در دسترس می‌کند. حمله به اجتماعات توسط تیغ‌کشان و عریه‌جویان حرف‌های و توطئه علیه افراد و گروه‌های مترقی و انقلابی، اخلال در روند روبه‌رشد انقلاب، دقت در پوشش‌های رنگارنگ، نشان‌دادن مناخ ناشیستی و توهین و افترا به داغداران انقلاب، رفتار توهین‌آمیز و جعل و تحریف خبر توسط رسانه‌های غصب‌شده جمعی و... که Z آهسته‌آهسته در این میهن تحقق می‌یابد.»^۳

در ادامه‌ی همین خط و در تاسیس ۱۳/۸، سازمان مخالفانش را عوامل ساواک معرفی می‌کند و هم‌زمان اظهار می‌دارد که هیچ‌کس نمی‌تواند صلاحیت مجاهدین را برای حفظ اسلحه سلب کند.^۴

در شش ماه اول پیروزی انقلاب، همواره دفتر سازمان مورد هجوم مردم حزب‌اللهی و بعضاً کمیته‌ها قرار می‌گرفت. البته حساسیت‌های عمومی نسبت به رفتار سیاسی و ایدئولوژیک سازمان، دلیل درگیری‌های مردمی با اعضای سازمان بود اما - با حساسیت کمیته‌ها به نگهداری سلاح و مهمات از سوی سازمان بازمی‌گشت. نکته‌ی مهم دیگر آن که در رفتار سازمان در شش ماه ابتدای پیروزی انقلاب مشهود است، دامن‌زدن سازمان به حساسیت‌ها، فشارها و درگیری‌هاست. در واقع سازمان می‌خواست تا معادله‌ی قدرت را در تهران و همه‌ی شهرستان‌ها

۱. همان، شماره ۱۲، ۱۳۵۸/۳/۶، ص ۱.

۲. رضا چلنگر از اعضای سازمان که در درگیری‌های فاز سیاسی نقش مهمی داشت می‌گوید: «مَثول ما، ما را نسبت به افراد مذهبی و حزب‌اللهی حساس می‌کرد و می‌گفت چهارچشمی آنها را ببایید، منازلشان را پیدا کنید، اینها دشمنان سازمان هستند، همه باید در دادگاه خلق محاکمه شوند.»

۳. فیلم Z به کارگردانی کوستا گاوراس، درباره یک کاندیدای انتخابات ریاست‌جمهوری است که حزب حاکم سعی بر حذف او دارد اما یک شبکه‌ی چریکی از این کاندیدا حمایت می‌کند. در واقع این متن به معنای لبریز شدن صبر سازمان و انجام اقدامات انقلابی و خشن در مقابل حاکمیت است.

۴. نشریه‌ی مجاهد، شماره ۵، ۱۳۵۸/۵/۲۹، ص ۱.

به هم بزند؛ به این معنا که عدم واکنش به بسیاری از موضوعات سیاسی و تشکیلاتی گرچه می توانست حساسیت ها را کاهش دهد یا حتی برطرف سازد اما سازمان تصور می کرد که در صورت عقب نشینی و یا عدم پاسخ، امواج اجتماعی تحت تأثیرش پراکنده خواهند شد. به عبارت دیگر سازمان در شش ماه اول انقلاب می کوشید تا به هر بهانه ای با غلظت زیاد از عنصر اجتماعی استفاده کند و با لشگرکشی خیابانی، خود را مهم ترین قطب قدرت معرفی کند.

در این لشگرکشی ها، نقش قشر دانش آموز، ویژه بود. سازمان برای کسب پایگاه اجتماعی در جهت مانور قدرت و توازن قوا با نظام، به لحاظ استفاده از عنصر اجتماعی در صحنه ی سیاسی رو به یاری، از مدارس آورد. پیام رجوی به دانش آموزان در ۲۶ شهریور ۱۳۵۸ تمایل به جذب قشر دانش آموز را آشکارتر می کند. ترکیب سازماندهی بر اهمیت نهاد دانش آموزی و سپس نهاد دانشجویی وید این تحلیل است که سازمان برخلاف نمادهای ایدئولوژیکش مانند آرم سازمان (داس و پیکس) بی جذب و به کارگیری دانش آموزان و دانشجویان بیشترین تلاش را داشت و از سوی دیگر کارگران، کدخدان، بیکاران، روستاییان و کشاورزان و همین طور طبقه ی متوسط شهری، کمیت ناچیز را در زیر سمپات های سازمان تشکیل می دادند. همچنین در جناح مقابل سازمان، تنوع طیف ها، اقل راجع قابل مشاهده بود. البته سازمان مسئله ی تنوع طیف ها را نشانه ی آن می دانست که نظام در آن یک طبقه ی اجتماعی مستحکم نیست.

با تثبیت اولیه ی جمهوری اسلامی و مشخص شدن مسیر کشور که ایجاد نهادهای قانونی بر اساس دموکراسی بود، سازمان مجاهدین حلقه که مهم ترین سازمان انقلابی و شبه نظامی در سپهر سیاست می دید، حاضر شد در اولین انتخابات پس از پیروزی انقلاب، یعنی انتخابات مجلس خبرگان قانون اساسی، فهرست ارائه دهد. بدین شیوه تشکیلاتی نیز تمام تلاش را برای پیروزی به کار برد. تبلیغات انتخاباتی مجاهدین موجب این شد که در کیم های خیابانی میان موافقین و مخالفین سازمان شد. مشخص بود که جمع کثیری از مردم، سران سازمان را برنخواهند تابید اما موج تبلیغاتی سازمانی نیز نشان داد که تشکیلات سازمان از لحاظ ستادی در رتبه ی بالایی است. نتیجه ی انتخابات برای مجاهدین تلخ اما امیدوارکننده بود. مسعود رجوی با نزدیک به سیصد هزار رأی، نفر دوازدهم شد، در حالی که ده نفر از متخیین به مجلس راه می یافتند.^۱

۱. در این انتخابات سید محمود طالقانی، ابوالحسن بنی صدر و حسینعلی منتظری به ترتیب نفرات اول تا سوم تهران شدند که